

# مدیریت شهری

شماره ۳۸ بهار ۹۴

No.38 Spring 2015

۱۷۲-۱۹۵

زمان پذیرش نهایی: ۱۲/۸/۱۳۹۳

زمان دریافت مقاله: ۱۲/۴/۱۳۹۳

## تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی های نوین ساخت جهت هویت بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه گرایی

محسن فیضی - استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.  
مریم اسماعیل دخت\* - کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت،  
تهران، ایران.

### Genealogy analytical technology for the identification of new construction buildings architecture with field-oriented approach

#### Abstract

Identity and neighborhood-based cultural and historical architectural design and construction of the most important topics in the field of Genealogy of analysis in the era of globalization and technological development requires consistent feedback and interaction architecture, style and technology is; If, today, the application of scientific knowledge in the design and architecture of the city is one of the tools of modern urban planning. The rapid advancement of technology and its impact on the construction of cities and towns can change the orientation of technological determinism and simple as a habitual behavior has been dominant. Lack of coordination requires the use of technology in the fields of architecture and identity oriented architecture that has been mentioned in this article. This study was conducted analytical and logical reasoning Analysis of Data and Documents library studies benefited. The results of this study suggest that the use of modern technologies in construction, infrastructure compatibility and similarity of culture and identity is of utmost importance. Because the complexity of manufacture and urban architecture shows that technology is the foundation and basis for the structure of the city; Although it helps to build the architecture and the city, but only to provide adequate facilities and various and diverse needs of not culture and identity. Public understanding of science and intelligent use of technology in dealing with identity, with emphasis on the historical background, cultural, social and environmental impact will be on understanding and explaining urban phenomenon.

**Keywords:** technology, architectural identity, context-oriented architecture, design proposals and approaches to the field.

#### چکیده

هویت و همسویگی طراحی و ساخت معماری با بنیان های فرهنگی و تاریخی از مهمترین موضوعات در حوزه «تبارشناسی تحلیلی» است که در عصر جهانی شدن و گسترش فناوری نیازمند هم خوانی بازخوردها و تعاملات «معماری، هویت و تکنولوژی» می باشد؛ چنانچه، امروزه کاربرد معرفت علمی در طراحی معماری و شهر یکی از ابزارهای شهرسازی مدرن است. پیشرفت سریع تکنولوژی و ساده گرایی تکنولوژیکی به عنوان یک رفتار همیشگی غالب گردیده است. از سویی دیگر، عدم هماهنگی و کاربست تکنولوژی در ساخت با هویت معماری و شهر نیازمند بهره گیری از زمینه گرایی در معماری است که در مقاله حاضر مورد اشاره بوده است. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و روش تحلیل استدلال منطقی انجام شده است که از ابزار گردآوری داده مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بهره برده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت، هم خوانی و همگونگی با ساختارهای فرهنگی و هویت بیشترین اهمیت را دارد که رویکردهای معماری زمینه گرا می توانند رهیافت‌های نظری ارزشمندی در این زمینه باشند؛ چراکه پیچیدگی ساخت و تولید معماری شهری نشان می دهد که تکنولوژی، بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست؛ هرچند که به ساخت معماری و شهر کمک می کند، اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی بالاخص در حوزه فرهنگی و هویتی نیست. بر این اساس، فهم عمومی از علم و استفاده آگاهانه از تکنولوژی در تعامل با هویت هر ملت با تأکید بر زمینه های تاریخی، فرهنگی- اجتماعی و زیست محیطی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکل دهی آینده معماری شهری تاثیرگذار خواهد بود. واژگان کلیدی: تکنولوژی ساخت، هویت معماری، معماری زمینه گرایی، پیشنهادات و رویکردهای طراحی زمینه.

## مقدمه

برمبانای مطالعات انجام شده ایران در تولید صنعتی و فناورانه از جایگاه پایینی برخوردار است و دلایل پایین بودن پایگاه فناورانه بودن اغلب با رویکردهای فنی و اقتصادی بررسی می گردد و تاکنون کمتر از حیث فرهنگی و هویتی بررسی شده است (قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). در عین حال، مجموعه تکنولوژی سیر تاریخی دارد و این روند از زمانی که انسان از چوب و استخوان به عنوان دست افزار استفاده می کرد، آغاز شده و تاکنون با ایجاد بمبانی نوترونی، فضای الکترونیکی و هوش مجازی سیر تحولات خود را طی کرده است. همچنین «فلسفه عموماً درباره تأثیر تکنولوژی بر فرهنگ و دیدگاه های مردم درباره جهان و نحوه گذران زندگی صحبت کرده اند. آنان این تأثیرها را بررسی کرده و نشان داده اند که تکنولوژی که به ظاهر ابزاری بیش برای پیشبرد اهدافمان نیست به تدریج روشها و دیدگاه های خاصی را به کاربران خود تحمیل کرده و ازین رو زندگی آنان را متحول می سازد» (ناجی، ۱۳۹۲، صص ۹۴-۹۳). از اوایل قرن ۱۷ میلادی، نگاه نویی در جهان شکل گرفت که منجر به پیدایش عالمی شد که به آن «عالیم تکنیک یا صنعت» می گوییم که سرآغاز دوران جدید و مبدأ انقلاب تکنولوژیک مدرن شد که متفاوت از عالم دست افزارهای صنعتی کهن است (قانعی راد، ۱۳۸۸). این جهان نو به دست بشری ساخته شد که یک نسبت خاصی با هستی و جهان و خودش پیدا کرده بود. حضور تکنولوژی در عرصه های مختلف از شکل گیری تفکر اولیه، فرآیند تکامل تفکر، فرآیند طراحی و ساخت تا بهره برداری از اثر به اشکال مختلفی می باشد و با این حضور تأثیرات مختلفی را بر معماری می گذارد. امروزه نگاه به تکنولوژی در معماری ایران تنها از زاویه کمی و فیزیکی می باشد و معمولاً از ابعاد غیرفیزیکی آن (منجمله ارتباط با آن با هویت و فرهنگ) غفلت می گردد. تکنولوژی را برخی، ابزار صرف پنداشته که خنثی و بی اثر می باشد و تأثیری

تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه آموزش معماری نیز آشکار است (گلابچی و شاهروodi، ۱۳۸۹؛ به نقل از پایگاه تبیان). لذا مباحثی که پیرامون تکنولوژی و سازه مناسب در برخی از آثار، بالاخص در معماری معاصر غرب مطرح می‌گردد، دلیلی بر پذیرش مبانی نظری آن نبوده بلکه تاکیدی بر چگونگی هم‌آوایی تکنولوژی و سازه با معماری در راستای مبانی مورد نظرشان می‌باشد و هدف، یافتن شیوه دست یافتن به چنین مقصودی می‌باشد. در این دیدگاه معماری عنصری هویت‌ساز برای انسانی هویت پرداز، تصور می‌شود که می‌بایست به غنای فرهنگ امروز اجتماع بیفزاید و به متابه وجودی در برابر خویش، فرهنگ سازی نماید.

با ضرورت‌های گفته شده و در این مقاله این مقوله موردنظر قرار گرفته است؛ چراکه مفهوم یابی هویت در معماری، مدافعه در بروز رفت از بی‌هویتی معماری را به عنوان عنصری که خود بایستی فرهنگ سازی کند، را دوچندان می‌کند، به همین دلیل است که معماری خود نمایان کننده فرهنگ جامعه بشمار می‌رود و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بناهای معماری باید در طراحی و بکارگیری تکنولوژی‌های معماری مورد توجه باشد که در ادامه در این مقاله مورد اشاره قرار می‌گیرد. در مقاله حاضر به موضوع کاربست تکنولوژی معماری پرداخته می‌شود و ماهیت هویت بخشی به معماری همگام با بهره گیری از تکنولوژی معماری مورد اشاره بوده است.

#### مواد و روشها

از انجا که رویکرد مقاله حاضر «رویکردی تبیینی» و «غیراکتشافی» است، و پژوهش حاضر ماهیت نظری دارد؛ لذا روش تحقیق مقاله حاضر «روش اسنادی» و «روش توصیفی» است که از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک موجود در سایتها و درگاه‌های اینترنتی و مطالعات نظری در این رابطه بهره برده است. همچنین از «روش فراتحلیل» در جمعبندی مطالعات و مبانی نظری و «روش تحلیلی»

در تحلیل دیدگاه‌ها و افکار، پیرامون برهمکنش ارتباط «تکنولوژی، معماری و هویت»، استفاده شده است. روش فراتحلیل با جمعبندی مبانی نظری و تحقیقات انجام شده درباره ماهیت تحقیق، ابعاد مرتبط با موضوع را مورد ارزیابی قرار داده و لذا در این مقاله به ارتباط فی مابین هویت، تکنولوژی و زمینه‌های اجتماعی پرداخته شده است.

#### مبانی نظری

مفهوم تکنولوژی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون و با رویکردهای مختلف مورد توجه قرار داد. توجه به جنبه‌های مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی و سیاسی تکنولوژی روز به روز پررنگتر و پردازه‌تر می‌شود. امروزه رویکردهای فلسفی به تکنولوژی اهمیت بالایی یافته است (اسدی و موسوی مهر، ۱۳۸۹، ص ۷۰)؛ چنانچه اولین فیلسوفانی که «فلسفه تکنولوژی» را مطرح کردند و یا به نحوی زمینه‌ساز این تفکر شدند، فیلسوفان مدرن هستند که زمینه‌هایش توسط «فرانسیس بیکن»، «گالیله» و دیگر متفکران دوره رنسانس ایجاد شده بود. انقلاب صنعتی، انقلابی نبود که به قرن خاصی منتهی شود، این انقلاب زمینه‌ساز انقلاب‌های مدرن در قرن‌های حاضر شد که از آن جمله می‌توان به «انقلاب فناوری اطلاعات» به عنوان علم و تکنولوژی روز دنیا اشاره کرد که در آینده می‌توان انقلاب‌های بزرگی مانند «انقلاب ژنتیک»، «تکنولوژی پلاسمما»، «انقلاب الکترونیکی هوش‌های مصنوعی» و «عصر مجازی» را، که همگی زاییده اندیشه‌ای است که موتورهای آتشین (انقلاب صنعتی نخستین) را به پیدایی آورد، نظاره گر شد. این انقلاب‌ها بی‌تردید به زودی جهان را زیر رخواهد کرد. حتی می‌توان گفت که نوع روابط انسانی نیز چنان که «کوین کلی» و «مانوئل کاستلز» و دیگر فن‌شناسان معاصر دگرگون خواهد شد.

تکنولوژی ریشه یونانی دارد و از دو واژه Techne و Logic تشکیل شده است. «تخنه» به معنای هنر،

طوری تعریف شده است که در برابر خصیصه های فرهنگی و محلی حساسیت چندانی نداشته باشد (جعفری و مهدوی پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

از سویی دیگر، بر اساس نظرات «پل آلسبرگ» در کتاب «معمای انسان» در سال ۱۹۲۲، «خوزه ارتگای گاست» در کتاب «انسان، موجود ناکجا آبادی» در سال ۱۹۵۱ باید گفت که تکنولوژی ناشی از کاستی های اندامی انسان است که به توصیف این امر پرداخته است که انسان در هر محیط طبیعی ناقص، به موجب فقدان اندام ها و غریزه های مناسب، چگونه قادر نیست به موجودیت خود ادامه دهد و در نتیجه چگونه باید برای بقای طبیعی خود با تعبیر هوشمندانه در شرایط پیرامون خود تغییراتی به وجود آورد. کاربرد اسلحه و جنگ افزار، آتش و فنون شکار به این ترتیب مربوط است به نمونه های رفتاری طراحی شده برای حفظ نوع انسان؛ به طوری که واژه تکنولوژی باید دلالت کند بر ابزارهای واقعی و مهارت های مورد نیاز برای آفرینش و کاربرد اموری که برای این موجود دارای فقر غریزه و ناقص امکان حفظ خویشن را فراهم کند (گلن، ۱۳۸۸). دو گروه عمدۀ از اندیشمندان علوم اجتماعی، سعی کردند در پاسخ به سؤالات مذکور و همچنین تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی که متأثر از تکنولوژی های جدید ارتباطی است، به تبیین آنها پرداخته و تئوری فرآگیری را در این زمینه ارائه کنند. گروهی عصر جدید را سراغ از کنترل های بی رحمانه شهروندان معرفی می کنند و در عین حال که به هیچ وجه اهمیت کلیدی اطلاعات را در دنیای جدید انکار نمی کنند و حتی از پذیرش جامعه اطلاعاتی برای عصر رسانه های ارتباطی جدید بیمی به خود راه نمی دهند، اما بر استمرار مناسبات حاکم بر جامعه و ثبات آن از گذشته تاکنون اصرار می ورزند. نظریه پردازان این

مهارت و آن چیزی است که آفریده دست انسان است و در مقابل Arche به معنای آفریده خدا است. «لوژی» در یونان قدیم به معنی دانش و خرد به کار رفته است. به این ترتیب می توان گفت که تکنولوژی به معنای آمیزه هنر و مهارت با دانش است. می توان گفت که انسان خردمند در تعامل با طبیعت به قوانین عالم آن دست می باید و با بازآفرینی این قوانین توسط علم و دانش در محیط و شرایط دلخواه کاربردهای مورد نظر خود را ایجاد می نماید ( محمودنژاد، ۱۳۸۰؛ بنقل از ویکی پدیای فارسی: دانشنامه آزاد، برداشت: ۱۳۹۳). «ارنس کاپ» در کتاب «فلسفه تکنولوژی» در سال ۱۸۷۷ احتمالاً اولین کسی بود که ارتباط بین نارسايی های اندامی انسان و هوش مبدع و نوآور او را متذکر شد. کمی بعد از آن فیلسوف زیان، «لودویگ نویره» در کتاب «ابزار» در سال ۱۸۸۰ نوشت: «آنگاه انسان از طبیعت آزاد شد زیرا او خالق خود گردید، اعضای خود را آفرید، یک ابزارساز شد، یک حیوان ابزارساز» (گلن، آرتور، ۱۳۸۸). کلمه «تکنیک» در اصل فرانسوی و به معنی فن، صنعت، علم، هنر و حرفة است؛ همین طور به فن شناسی، علم فن و صنعت، تکنولوژی گفته می شود. در عین حال نظرات متفاوتی بر محدوده مفهوم تکنولوژی وجود دارد؛ از جمله تعریفی که علم را درون تکنولوژی جای می دهد «کاربرد دانش علمی و دانش: منظم دیگر برای امور عملی بوسیله سیستم های منظمی که شامل مردم، سازمانها، اشیاء زنده و ماشینها می شود» (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). یکی از پیامدهای پیشرفت تکنولوژی یکسان و یکنواخت شدن معماری در نقاط مختلف کشور است. در حالی که پیش از این شکل ساختمانها، بافت محله ها و ساختار شهر گویای ویژگی های فرهنگی و ذوقهای بومی ساکنان آنها بود؛ زیرا سیستم تکنولوژی

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷ پیاپی ۳۷. و همچنین می توانید رجوع کنید به: فامیر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

عین حال کمیت در جوامع انسانی، نیاز روز افزونی را به گسترش تکنولوژی در پی می آورد (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). در هرحال، امروزه سه تعریف مطرح تکنولوژی وجود دارد که عبارت از: «تکنولوژی به عنوان سخت افزار، تکنولوژی به عنوان نرم افزار و تکنولوژی به عنوان نهاد» هستند (گلن، آرتور، ۱۳۸۸، ص ۵۶):

۱. **«معماری و تکنولوژی به عنوان سخت افزار»:** عینی ترین تعریف برای تکنولوژی تعریف آن بر حسب سخت افزار یا ابزارها و ماشینهای است. در این منظومه، نیروگاه‌های برق، رایانه‌ها و کارخانه‌ها به عنوان تکنولوژی‌ها لقب می‌گیرند. این تعریف از تکنولوژی عینی ترین، صریح‌ترین و انضمامی‌ترین تعریف تکنولوژی است. این تعریف با وجود وضوح و صراحت بدون عیب و ایراد نیست و یکی از ایرادهای آن این است که برخی از تکنولوژی‌هایی را که نه ابزار و نه ماشین هیچ کدام نیستند در بر نمی‌گیرد. یک نمونه از تکنولوژی غیرساخت افزاری تکنولوژی رفتاری «اسکینر» است که وی بسیار بر آن تأکید داشت، ولی نمی‌توان آن را به عنوان سخت افزار مدنظر قرار داد.

۲. **«معماری و تکنولوژی به عنوان نرم افزار»:** «ایلول» فیلسوف معروف تکنولوژی با تقابلی که میان سخت افزار و نرم افزار وجود دارد، تعریفی نرم افزارانه از تکنولوژی ارائه کرد و آن را امتزاجی از ابزارها و نسبتها مدنظر قرار داد. حتی «ماکس وبر» هم با ارائه مفهوم عقلانی سازی مانند ایلول ظهور غرب را بر حسب نظامی نرم افزاری توجیه کرد. در این نظام البته ابزارها و ماشین‌ها نقشی محوری را دارا نیستند و نظامی که مبتنی بر قواعد هدف - وسیله است، هدایت منظومه را بر عهده دارد. بدین گونه بود که تکنولوژی به مثابه نرم افزار و قواعد مطرح گشت. این دیدگاه نرم افزارانه از تکنولوژی، از آن جهت قابل توجیه است که سخت افزار همیشه در ارتباط با کاربرد انسانی و فهم وی تکنولوژی نام یرد و نمونه‌های فراوانی از وجود

گروه عبارتند از:

۱. **«مارکسیست‌های نو»:** هربرت شیلر؛  
۲. **«نظریهٔ مقررات‌گذاری»:** (Regulation theory) مایکل آگلیتا و آلن لیپیتز؛

۳. **«نظریهٔ انباشت انعطاف‌پذیر»:** Flexible (Accumulation) دیوید هاروی؛

۴. **«نظریهٔ دولت-ملت و خشونت»:** آنتونی گیدنز؛

۵. **«نظریهٔ عرصهٔ عمومی»:** یورگن هابرماس (همان، ۱۳۸۸).

علی‌رغم ناگزیری انسان معاصر از رویارویی با مظاهر تکنولوژیک در زندگی، امکان رعایت حد و مرزها و یا غرقه شدن در این مظاهر، که همان گم‌شدن هدف و جابجایی مقصد با مقصود است وجود دارد؛ لیکن در شکل مطلوب و دست یافتنی، مکمل بودن ایده‌های والا و ابزار تکنولوژیک تسریع و تسهیل کننده در هنرها را داریم (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

از سویی دیگر، گروه دیگر نظریه پردازان، عصر حاضر را طبیعت جامعه‌ای سرشار از تخصص و مراقبت مطلوب از همه چیز در تعامل با تکنولوژی می‌دانند و مدعی‌اند نوع جدیدی از جامعه ظهرور کرده است که با گذشته کاملاً متفاوت است. از نظر این گروه، در این جامعه حاکمیت اصلی با رسانه‌های الکترونیک است. نظریه و نظریه پردازان عمدۀ این گروه عبارتند از:

۱. **«نظریهٔ فرآصنعتی»:** دانیل بل و پیرون او؛  
۲. **«نظریهٔ پست‌مودرنیسم»:** ژان بو دریار، مارک پاستر؛

۳. **«شخصی‌سازی انعطاف‌پذیر»:** میشل پیور، چارلز سیبل؛

۴. **«نظریهٔ شیوه اطلاعاتی توسعه»:** Information (mode of Development)، مانویل کستلز.

پس تکنولوژی نتیجه گرایش و تمایل همیشگی انسان به قدرتمندانه ترین شکل از رفع نیازهای زیستی اش بوده که با سیر تاریخ، توسعه یافته و تمامی وجوده زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. در

و ظهور تکنولوژی جدید سبب تحولات بنیادین در همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی، فرهنگی شد؛ تا آنجا که صورت بندی اجتماعی و تاریخی را ابتدا در جوامع غربی و سپس در کل جهان تغییر داد و هیچ حوزه‌یی از حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی، از جمله روابط خانوادگی، جنسی یا اخلاقی نبود که تحت تاثیر و سیطره تکنولوژی قرار نگرفته باشد. به بیان دیگر، با انقلاب صنعتی و تکنولوژی مدرن «عالیمت عالم» تغییر کرد، کره زمین برای نخستین بار رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و یک دوره تاریخی جدیدی در حیات بشر آغاز شد. تأمل و تفکر در باب این دوره جدید تاریخی و این تحول در «عالیمت عالم»، امری فنی و تکنیکی و در حوزه فعالیت مهندسان، صنعتگران، سرمایه داران، مدیران دولتی یا اصحاب قدرت سیاسی نبوده بلکه محل امعان نظر بسیاری از فیلسوفان و متفکران و در حوزه خاصی به نام فلسفه تکنولوژی بوده و هست. این متفکران و فیلسوفان هستند که می توانند با تاملاتی نظری و فلسفی به ما بگویند با ظهور تکنولوژی جدید چه تحولاتی در نحوه نگرش ما به جهان، معنای جهان و معنای خود انسان و زندگی و نسبت آدمی با هستی صورت پذیرفته است و فرهنگ و تمدن از تکنولوژی مدرن چه تاثیرات ژرف وجودشناختی و انسان شناختی پذیرفته است. تاثیراتی که در هیچ یک از تمدن‌های پیشین مشاهده نمی‌شود.

۲- نکته دیگر اینکه علم و تکنولوژی جدید، در کنار و پایه‌ی ظهور جهان بینی عصر «روشنگری» شکل گرفته است. در دوران ما علم و تکنولوژی جدید همواره از بد و تولد، مهم ترین ابزارهای تحقق آرمان‌های عصر روشنگری تلقی شده و می‌شود. آزادی انسان از هرگونه اسارت و سعادت این جهانی وی روی کره خاک از بزرگ ترین و مهم ترین آرمان‌های عصر روشنگری بوده است. به تعبیر ساده‌تر، قرار بود علم و تکنولوژی مدرن بشر را به سعادت و آزادی برساند اما حال این پرسش به نحو بسیار

سخت افزار را در جوامع گوناگون شاهد بودیم، بدون آنکه این سخت افزارها نظامی تکنولوژیک را به وجود آورند. در این نگاه فکر و ایده و اندیشه‌ای که پشت سر ابزارهای تکنولوژیک قرار دارند، تکنولوژی نام می‌گیرد. تکنولوژی به عنوان نهاد: این موارد برخی از متفکران و فیلسوفان تکنولوژی را بر آن داشت که به دنبال تعاریف دیگری از تکنولوژی برآیند. برخی تکنولوژی را مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی دانستند. تعریفی که در این باب ارائه شده است این است که تکنولوژی کاربرد دانش علمی یا دانشها دیگر برای نقش‌های عملی از طریق نهادها و نظام‌های هدف مندی است که با انسانها و نهادها و ماسینهای در ارتباط است. این تعریف که بسیاری آن را می‌پذیرند گاهی رویکرد نهادهای تکنولوژیک به تکنولوژی لقب می‌گیرد. نهاد تکنولوژیک مجموعه‌ای است از سخت افزار، دانش، مخترعان، اپراتورها و افراد تعییرکار، مشتریان، بازارها، آگهی‌دهنده‌ها و نمایندگان دولتی که همه در امر تکنولوژی دخالت دارند. رویکرد نظام تکنولوژیک از همه تعاریفی که تاکنون در این مقال از تکنولوژی ارائه شده‌اند و در فلسفه تکنولوژی مطرح هستند مسلط تراست، زیرا این رویکرد سعی می‌کند، اجزای مختلف تکنولوژی را در نظر بگیرد (گلن، ۱۳۸۸).

در زمینه ظهور و گسترش تکنولوژی مدرن چند نکته اساسی وجود دارد که سبب ظهور فلسفه تکنولوژی شد (عبدالکریمی، ۱۳۸۷):

- ۱- غالباً این تلقی غلط وجود داشته و دارد که «انقلاب صنعتی»، «انقلاب در صنعت» بود و ظهور تکنولوژی جدید به منزله اختراع و کاربرد پاره‌یی از ابزارها و وسایل جدید در امر تولید، بهره‌برداری از طبیعت، حمل و نقل، ارتباطات بوده است اما برخی از متفکران غربی، هم‌زمان با ظهور انقلاب صنعتی دریافتند این انقلاب صرف انقلاب در صنعت نبود و چنین نبود که با ساخته شدن دیگر های بخار صرفاً ابزار یا ابزارهایی جدید به ابزارهای گذشته افزوده شود بلکه انقلاب صنعتی انقلاب در همه چیز بود

شکل گرفت، همه متفکران بزرگ غربی، سلبایا ایجاباً علم، تکنولوژی و تفکر علمی و تکنولوژیک را مورد تأمل قرار داده‌اند. آنان چارچوب تفکر علمی و تکنولوژیک را یا به منزله اصیل ترین صورت تفکر پذیرفته‌اند و الگوهای علمی و تکنولوژیک را به مثابه صحیح ترین الگوی معرفت و دانش تلقی کرده‌اند یا آنکه کوشیده‌اند به نقد علم و تفکر تکنولوژیک جدید پرداخته، محدودیت‌ها و نقصان‌های آن را نشان دهنده (همان، ۱۳۸۷).

در همه متفکران بزرگ غربی در دوره جدید، می‌توان از نوعی فلسفه علم و فلسفه تکنولوژی ضمنی سخن گفت. هرچند که آنان صراحتاً و آشکارا از فلسفه علم یا فلسفه تکنولوژی سخن نگفته باشند. برای نمونه در مقاومت رمانیست‌هایی چون «گوته»، «نوالیس»، «ریلکه» یا «هولدرلین» در برابر تکنولوژی جدید، در انتقادات «مارکس» از سرمایه‌داری، در نقدهای «کی برکه گور» از تفکر علمی و ابزکتیو، در نقدهای «نیچه»، «هوسرل» یا ویتنگشتاین: از فرهنگ و تمدن مدرن می‌توان خطوطی از نوعی فلسفه تکنولوژی را ردیابی کرد اما این در تفکر هایدگر و در آثار برخی از متفکران بعد از او، به خصوص در «مکتب فرانکفورت» و در اندیشه‌های متفکرانی چون «والتر بنیامین»، «تئودور آدورنو»، «هورکهایمر»، «مارکوزه»، «هابرمانس» که جملگی نیز تحت تاثیر هایدگر بوده‌اند، است که فلسفه تکنولوژی و اندیشیدن در باب تکنولوژی جدید

جدی وجود دارد که آیا علم و تکنولوژی جدید به راستی توانست آزادی و سعادت راستین را برای آدمی محقق سازد یا خود به ابزاری برای ظهور اشکال جدیدی از اسارت و سلطه بر آدمی و ظهور دردها و رنج‌های تازه‌یی برای وی منتهی شده است (همو، همان، ۱۳۸۷).

۳- نکته آخر در ارتباط با ظهور حوزه‌یی از تاملات تحت عنوان فلسفه تکنولوژی این است که این با «مارتین هایدگر» متفکر بزرگ آلمانی در قرن بیستم است که برای نخستین بار پرسش از «چیستی و سرشت تکنولوژی» جدید مطرح می‌شود و بدین ترتیب، تکنولوژی به نحو صریح و آشکاری به منزله موضوع و متعلق تفکر فلسفی قرار می‌گیرد و آشکارا سخن از «فلسفه تکنولوژی» به میان می‌آید. قبل از هایدگر هیچ کس صراحتاً از فلسفه تکنولوژی و پرسش از سرشت و ماهیت تکنولوژی سخن به میان نیاورده بود اما ضمن به رسمیت شناختن مقام هایدگر و نقش پیش‌تاز آن در قوام یافتن شاخه‌یی مطالعاتی با عنوان فلسفه تکنولوژی، همچنین باید به این نکته توجه داشت که از همان آغاز ظهور عقلانیت مدرن توسط متفکرانی چون گالیله، دکارت و نیوتن، یعنی ظهور عقلانیتی که طبیعت را به امور محسوس و ماده و حرکت محدود کرده، وجه کمی و محاسبه پذیر اشیا و پدیدارها به منزله مهم ترین وصف آنان تلقی شد و از همان آغاز ظهور علم و تکنولوژی مدرن که بر اساس عقلانیت جدید

جدول ۱. نگرشها در شکل گیری هویت فردی در ارتباط با جهان خارج؛ مأخذ: پور جعفر، ۱۳۹۱، ص ۸۲.

شکل گیری شخصیت و هویت فردی		
نوع نگرش	نظریه پردازان	دیدگاه‌ها
سوژه شکل دهنده به ابزه	فروید، یونگ، ماری	هویت محصول جنبه‌های درونی - غریزی
ابزه شکل دهنده به سوژه	اریک فروم، سولیوان	هویت محصول محیط مادی و اجتماعی
توازن سوژه و ابزه	آلدر، هورنای، مورفی	تعادل میان محیط درون و بیرون

گمارده شده ایم تا محصولات خام را به فرآیندهای تکنیکی مبدل سازیم. به تعبیر دیگر هایدگر هر چند خاستگاه تفکر تکنیکی را به یونان باستان می برد هنوز میان «تخنه و صنعت یونان» با «فناوری جدید» تمایزی آشکار می بیند. در جهان جدید این انسان نیست، بلکه ابزارگرایی است که این عمل را صورت می دهد. این کار صرف‌اقدی انسانی نیست بلکه راهی ویژه است که در آن وجود خودش را از طریق قصد انسانی ظاهر و مخفی می سازد. از این سخن گونه‌ای «دترمینیسم تکنولوژیک» هم استنباط می شود؛ چراکه تقدیر بر این قرار گرفته که وجود در جهان جدید به شیوه‌ای خاص بروز داشته باشد. شکی نیست که هایدگر در این مدعای که فناوری مدرن بیشتر از فناوری سنتی مخرب است بر حق است.

«هانس فریر» در کتاب «سلطه مقولات فنی بر زیست جهان جامعه صنعتی» بر این باور است که تکنولوژی عصر صنعتی مناسب توصیف کل تکنولوژی قبل از قرن هجدهم نیست؛ یعنی اینکه مصنوعات انسانی، مناسب وسایل و ابزارهایی باشد که بتواند اهداف و غایات زندگی او را به تحقق رساند و آنگاه آنها را اصلاح کند تا جایی که در خدمت اغراض او قرار گیرند. معنی تکنولوژی، مطابق این دستور عبارت است از به خدمت گرفتن آن، برای دستاوردهای موفقیت آمیز در آنچه انسان می خواهد

صراحت بیشتری یافته، بخشی از آثار آنان را به خود اختصاص می دهد<sup>۱</sup>. در این باب توجه به مفهوم هویت فردی در تقابل با جهان خارج از آن جهت مهم است که تکنولوژی به مثابه عنصری برون دادی تاثیراتی شگرف بر شکلگیری شخصیت فردی و در نهایت بر آثار مصنوع بشری و منجمله معماری دارد؛ چنانچه در تحقیقات مختلف هویت به مثابه هویت درونی- غریزی و محیطی- مادی و تعامل درون و بیرون مورد توجه بوده است (جدول شماره ۱).

### تکنولوژی و فلسفه

خاستگاه اولیه بحث به کتاب «هستی و زمان» بر می گردد که هایدگر در این کتاب تحلیلی از نقش و جایگاه وسیله در زندگی انسان و ارتباطی که انسان با آن برقرار می کند، ارائه می دهد. هایدگر در مقاله‌ای که پس از جنگ جهانی دوم می نویسد و به «پرسش از فناوری» معروف است، این تفکر را پس می گیرد. او فناوری را بر علم مقدم می داند و معتقد است تفکر جهان مدرن گونه‌ای تفکر فناوریک است که جهان را به عنوان منبع انرژی و وسیله‌ای برای استفاده در نظر میگیرد (محمودی نژاد، ۱۳۸۹؛ ر. ک: پدیدارشناسی مکان، پیوست دوم). علم نیز به عنوان ابزاری برای این فناوری و اهداف آن وارد صحنه شده است<sup>۲</sup>. مدعای هایدگر این است که فناوری به صورت بی رحمانه‌ای گوی سبقت را از ما برده است. ما در تغییر کل این جهان به کار

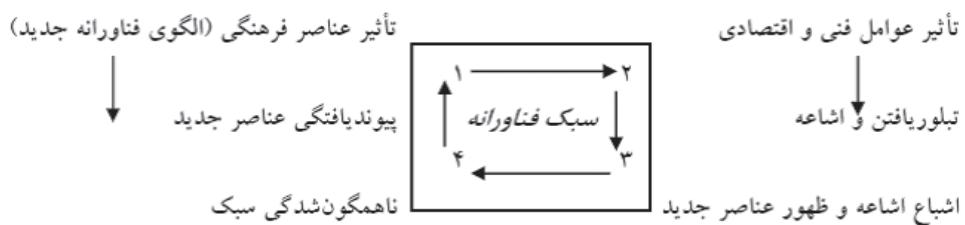
## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۸ بهار ۹۴  
No.38 Spring 2015

۱۸۰ ■

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: بدبالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟ روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱ و. ر. ک: اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول و. ر. ک: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

۲. به عنوان مثال، اگر افزار نوشتن را مصدق این امر بگیریم، به نحوی روشنتر می توانیم هم نقش مثبتی را بینیم که اشیاء تکنولوژیک می توانند اینها را کنند و هم خطر خاصی که این اشیاء پیش می نهند و «بورگمان» حسابیت ما را نسبت به آن برانگیخته است. اسلوب افزارهای نوشتن نیز همچون «بل ها» و معماری و بنایهای ساخته شده شهری<sup>۳</sup> جای آنها را در تاریخ هستی باز می تابند. خودنویس از می طلب که برای مسیونیسم که شخصیت دست خط می براي او على السویه نیست. به هنگام درگیری با کاربریت هایی که خودنویس را مهمن نمایند، موضوعاتی که برای ما اهمیت دارند چیزهایی هستند از قبیل پر نامه های زندگی، هویت های ثابت، شخصیت، جهان بینی و مانند آنها. ما سوزه هایی هستیم که با سوزه های دیگر سر و کار داریم. لیکن اگر ما صرفًا برای انتقال اطلاعات در صدد ثبت امور تجاری یا نوشتن گزارش امور واقع باشیم، ماشین تحریر بهتر به کار مان می خورد. واژه پردازی که با انعطاف پسیارش به شبکه وصل است، از ما می طلب که برای فراوری مقالات تحقیقی فنی یا دانشگاهی ای که وارد شبکه ای از امدادات و گفت و گوها خواهد شد از میان شمار عظیمی از گزینه های انتخاب کنیم. شما به هنگام کاربرد واژه پرداز رایانه ای از احساس این موقوفیت گزیزی ندارید که دیگر لازم نیست از بایت چیزهایی چون پاک کردن، دویا تایپ کردن و در واقع بریدن و چسباندن ها برای نقل و انتقال متن و پست کردن محصول نهایی نگران باشید. اما همان طور که بورگمان اشاره کرده است این ابزار خنثی نیست؛ ابزار پر امکاناتی که خود را بر ما آشکار می کنند اثر می گذارند. اگر کسی واژه پردازی مدرن داشته باشد، متن برای او دیگر اثری نمی نماید که کسی باید بدوا آن را تمام کند و سپس منتشر شود. متن از خلال پیش نویس های سیساري که هیچ کدامشان نهایی نیستند، رو به کمال می رود. آنچه که اشخاص زیادی در روابط متفاوت و گوناگون - روابط هایی از آنچه پیش ترها می توانست متن تکینه ای نامیده شود - ادای سهم می کنند می توان گفت که متن های در گردش - Circulating Texts - در شبکه، ما حصل فروپاشی ابزه مختوم - Finished object - هستند. با چنین مشارکت های چندگانه ای، نه تنها صورت مادی کاری پراکنده می شود بلکه خود مؤلف نیز مشمول این پراکنش Dispersion - می شود. این پراکنشی که در کار مؤلف و نویسنده ایجاد می شود، خود بخشی از پراکنشی عام تر و کلی تر است که «شری توکل» توصیفی می کند: پراکنش هویت و این همانی.



نمودار ۱. تأثیر عناصر فرهنگی بر تکوین و تحول سبک فناورانه؛ مأخذ: قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

تکنولوژیک قدرت طبیعی انسان را به وجود می‌آورد. ۳- در مرحله سوم ماشین خودکار، حتی سهم عقلانی انسان با وسائل تکنولوژیک در آمیخته است تا وضعیتی فرا می‌رسد که در آن نظام خودکار ماشینی می‌تواند مستقل از دخالت‌های فیزیکی یا عقلانی ما به کار خود ادامه دهد (گلن، آرتور، ۱۳۸۸، صص ۹۹-۱۰۳).

اگر «فرهنگ» را تحت عنوان علم، تکنولوژی (معرفت-قدرت) و دموکراسی در نظر بگیریم و آنها را با هم گره بزنیم، باید دید از لحاظ جریانات مختلف چه دیدها و چه نسبت‌هایی را می‌توان برای آنها متصور شد. مفاهیم کلیدی ما دموکراسی، تکنولوژی و علم است که همه آنها به نحوی فرهنگ را تعریف می‌کنند؛ در این صورت چند نکته بسیار آشکار می‌نماید (اعتماد، شاپور، ۱۳۸۳، بنقل از پایگاه باشگاه اندیشه؛ سخنرانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران):

۱- اول دید «رمانتیک» است که هم به تکنولوژی و هم به دموکراسی، به صورت منفی نگاه می‌کند.  
 ۲- دوم، «لیبرال دموکراسی» است که هم به تکنولوژی و هم به دموکراسی به طور مشترک دید مثبت دارد.

۳- سوم، «توتالیتاریانیسم» است که به تکنولوژی

یا اراده می‌کند. این معنی، به حالت و مرحله‌ای از رشد تکنولوژی اطلاق شده است که در مقایسه با زمان حال، امری ابتدایی بود. در عوض فریر می‌گوید تکنولوژی امروزه نوعی توانایی و قدرت انتزاعی آفریده است و در همین روزگار اخیر است که پرسش از آنچه انسان می‌خواهد با وسائل موجود انجام دهد، مطرح شده است. این اندیشه بی‌تر دید اولاً و قبل از هر چیز، به افزایش قیاس ناپذیر فوق الذکر در تولید بالقوه نیرو - انرژی - اطلاق می‌شود. تحت چنین شرایطی، چنانکه فریر استدلال کرده است، روح فنی، امری مطلق می‌شود و دیگر در خدمت اهداف و غایات نیست (گلن، ۱۳۸۸). «اشمیت» تعین یافتنگی کار انسان را با «وسائل تکنیکی» به عنوان فرآیندی می‌بیند که در اعصار گذشته آغاز شده، اما در زمان ما بسط یافته است. این فرآیند از سه مرحله می‌گذرد:

۱- اول فرآیند ابزاری، که در آن، قدرت فیزیکی ضروری از کار انسان به دست می‌آید؛ در حالی که مستلزم دخالت عقلانی انسان است. تمایزات اشاره شده بین انواع گوناگون طرح‌های اندامی، متعلق به این مرحله است.<sup>۱</sup>

۲- مرحله دوم به نظر اشمیت مربوط به کار و قدرت ماشین است که فعالیت آن، تعیین یافتنگی‌های

۱. طبق گفته «ادموند مایر» فیلسوف فرانسوی که تکنولوژی‌های تکنولوژی‌های دوم را تحلیل کرده بود: «ظاهراً در مورد زبان (زبان زمینه گرایی معماری و بینانهای تکنولوژی ساخت در این مرحله تمییم پذیر است)، ما از دید تکنولوژی غافل بودیم و به نظر می‌رسد که از امروز، روز به روز از توان تکنولوژی نهفته در زبان بیشتر استفاده می‌شود.» اما نکته بعد اینکه مستثنیه ای که در فلسفه علم مطرح می‌شود، این است که ما نسبت نظریه و مشاهده را چگونه ترسیم کنیم و از دیدگاه‌های مختلف چگونه می‌شود به آن نگریست؛ اما آن جنبه تحریکی یا پوزیتیویستی قضیه که معطوف به مشاهده بود، این مستثنیه را مطرح می‌کرد که ما چگونه می‌توانیم این مفاهیم علمی را باسازیم و نظریه‌های علمی را بیان کنیم. طبعاً نظریه غالباً این بود که ما می‌توانیم پله از مشاهداتمان حرکت کنیم تا به سطح نظریه بررسیم و در قالب نظریه، قوانین نظری را بیان کنیم. در هر صورت چیزی که اهمیت داشت این بود که به نوعی از مشاهده‌ها به نظریه‌ها می‌رسیم.

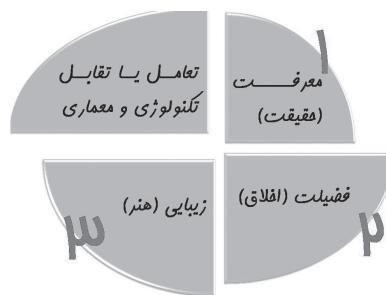
«والتر بینایمین»، نظریه پرداز آلمانی، از نخستین کسانی بود که کوشید تکنولوژی را به فرهنگ تعبیر کند. اندیشه هایش عمدتاً از طریق دوستاش با «تئودور آدورنو» تأثیری دوگانه بر مکتب فرانکفورت گذاشت و به دلیل همین دوگانگی غالباً به این تأثیر کم بها داده می شود. اگرچه آدورنو در همکاری با «ماکس هورکهایمر» در تحلیل رسانه ها گرایشی متفاوت و آشکارا بدینانه تراز بینایمین یافت، میان آن ها پیوستگی های جالبی هست که در پژوهش های رسانه ها به دلیل غفلت از لحن انتقادی ترا آثار بینایمین (۱۹۶۹) عمدتاً نادیده گرفته می شود (زلی ۲۰۰۱). میان تحلیل های «بینایمین و مک لوهان» همانندهایی هست، از آن رو که هر دو بر اولویت مشکل تأکید می کنند. یعنی هر دو می کوشند خواننده را از شناختن به سمت تحلیل محتوا بازدارند و پیچیدگی های خود رسانه را نادیده می گیرند. در واقع براساس تعابیر پست مدرن می توانیم بگوییم که «حس و حال» آغازگر چیزی است که دریدا (۱۹۸۲) آن را نه به سبب ماهیت محتوا یش بلکه به دلیل ساختارش، «متافیزیک حضور» می نامد. متافیزیک حضور یعنی فراموش کردن رسانه؛ آن نوع فراموشی که هیچ چیز به معنای دقیق کلمه نزد ما حاضر نیست (بی واسطگی)، بلکه همیشه بازنمایی یا نمایش داده می شود (وان لون ۱۹۹۶الف). فراموش کردن معنا و مفهوم معماری و ساخت [یا آنچه واتیمو (۱۹۹۲) آن را «توهم شفافیت» می نامد] همان چیزی است که برای مثال موجب می شود ادعا کنند که معماری دقیقاً به همان صورتی که معماران می سازند و یا به عبارتی «به راستی اتفاق افتاده است». با وجود این، آمیختن رویداد و رسانه صرفاً نتیجه «سستی فکر» نیست بلکه همان گونه که ویریلو (۱۹۹۷) در آسمان باز گفته (و بسیار پیش از او هایدگر تلویحًا به آن اشاره کرده) وضع عینی ذاتی خود تکنولوژی مدرن است (حاکم، ۱۳۸۸، ص ۸۹-۹۰).

در زمینه هنر نیز، توانایی فوق العاده برای افزایش

- ۴- چهارم «فورمیسم» است که به تکنولوژی اعتماد نمی‌کند، ولی به دموکراسی خیلی زیاد اهمیت می‌دهد.

تکنولوژی و هنر

مطابق آنچه در بخش قبلی مقاله گفته شد، تقسیم هنر و تکنولوژی هم با توجه به این مبانی صورت می‌گیرد. ما دو ساحت داریم که در یکی کارآمدی برجستگی و اهمیت بیشتری دارد که بدان تکنولوژی می‌گوییم و در دیگری این زیبایی و تناسب است که اهمیت و قرب می‌یابد. این در حالی است که در جهان قدیم پیروی یگانگی که میان «معرفت» (حقیقت) و «فضیلت» (اخلاق) و «زیبایی» (هنر) برقرار است، آنچه معرفت است، زیبا هم به شمار می‌آید (امینی، ۱۳۸۸).



نمودار ۲. نحوه و برهمکنش معماری و تکنولوژی و جنبه های ماهوی متایز کننده آنها که بنیان بی هویتی در معماری را بوجود آورده است و ناشی از این مولفه ها می شود؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس امینی، ۱۳۸۸.

جدا کردن هنر از تکنولوژی مانند هر تقسیم دیگری مزایا و معایب خاص خود را دارد. حسن این روش جدا کردن دو ساحت و معرفت است که تا حد زیادی با هم تفاوت دارند. ماهیت هنر بر زیبایی متنکی است و این زیبایی ممکن است کارآمدی و بهره مادی و معیشتی نداشته باشد. بنابراین دو دغدغه وجود دارد که یکی ساختن برای هدفی و دیگری ساختن بدون غایتی خاص است؛ آن گونه که کانت می‌گوید.

جدول ۳. فراتحلیل افکار و نظریات به هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن؛ مأخذ: مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰

تبلیغ معنای هویت	پیش از مدرن	مدرن	پست مدرن
جامعه	اصول سازنده از سوی فرسنگان	قرارداد اجتماعی مبنی بر نظر اکبریت	قرارداد اجتماعی مبنی بر نظر فرد
	هدف انسان	یافتن هویت و بزه مکث برای جهان	یافتن هویت و بزه واحد
	رویکرد کلی نسبت به هویت	خداوند بودن	خداوند بودن
	دیدگاه نظری نسبت به هویت	واحد و الی	واحد و اکسای
	همانی نظری معماری	جهان بینی ستی و پایندی به ارزش های معنوی و اصل ظلم در پیغام	کثت گرایی و برداشت انتقاطی از مفاهیم عملکرد گرایی
	طراحی معماری	معماری منسجم مبتنی بر اصل وحدت در عین کثوت مانع از محدودیت های فلسفی و فنی	تفاکلی از معماری گذشته و معماری مدن
	ویژگی شهر	پژوهه گیری از طلاق و قوس، گند و مباره به معنی ترجمان فناوری ساخت در آن دوستان	پژوهه گیری از تکنولوژی و ساخت و ساز صنعتی
معماری	تعییر مردم از معماری شهر	همگرا (در مقیاس کلان)	همگرا (در مقیاس کلان)
	ویژگی شهر	معماری ما در مقیاس خرد	معماری من ها
	هویت در معماری	هویت ثابت و جهان شمول	هویت متکثر

### فرهنگ و محتوا:

- ۱- «فرم» عبارت از هندسه و شکل اثر می باشد و
- ۲- «عملکرد»، شامل کاربری ها و بهره گیری ها در فضای معماری است.

۳- «تکنولوژی» شامل فرآیند ساخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت و مصالح، تکنیک ها و سیستم های ساختمانی می باشد.

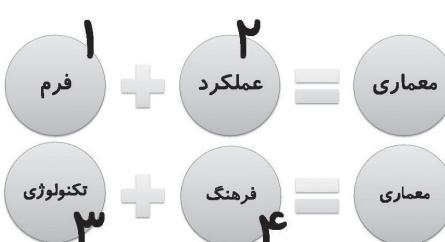
۴- «فرهنگ و محتوا» نیز درونمایه غیرفیزیکی شامل مفاهیم و معانی مطرح شده در اجزا و کل اثر می باشد که از فرهنگ، تاریخ، اعتقادات و مبانی فلسفی جامعه و معمار نشات می گیرد (گلابچی و شاهروodi، ۱۳۸۹).

بنابراین یکی از اصلی ترین عناصر برپاکننده هر اثر معماری، «تکنولوژی» است. معماری در گذشته و حال از دوگونه تکنولوژی بهره جسته است، تکنولوژی

دامنه دید و رای محدودیت های طبیعی که حاصل تصاویر سینما و عکس است تأثیری شگرف بر علم، از جمله علوم رفتاری، گذاشته است که در میان آنها شاید روان کاوی مشتاق ترین مصرف کننده فیلم باشد. پنجاه سال پس از بنیامین بودریار (۱۹۹۰) برای این برهان خود، که پی آمد اصلی گسترش چشمگیر تکنولوژی های دلالت گری متلاشی شدن واقعیت از درون بوده است، به اصطلاح «واقعیت بیشینه» متولسل می شود؛ به این معنا که «امر واقعی» را دیگر ادراک حسی ما مشروط نمی کند بلکه به یک انتزاع (برای علم) یا مجاز (برای عقل فردی) تبدیل شده و از این رهگذر «شکل های ساختاری کاملاً تازه فاعل شناسایی را آشکار می سازد» (بنیامین ۱۹۶۹: ۲۲۰)؛ فیلم با فراهم کردن نمای نزدیک چیزهای اطراف ما، با تأکید بر جزئیات پنهان اشیا آشنا، با کاوش محیط عادی پیرامون ما به هدایت خلاقانه دوربین از سوی درک ما را از ضروریات حاکم بر زندگی مان گسترش می دهد و از سوی دیگر ما را از میدان فراخ و نامنتظر عمل مطمئن می سازد (بنیامین، ۱۹۶۹، ص ۲۲۹؛ بنقل از جاکوب، ۱۳۸۸).

### تکنولوژی و معماری

معماری را می توان از چهار بخش اصلی متشکل دانست؛ «الف- فرم، ب- عملکرد، ج- تکنولوژی، د-



نمودار ۳. رابطه تکنولوژی و معماری؛ مأخذ: توسمی نگارندگان (۱۳۹۳) بر اساس گلابچی و شاهروodi، ۱۳۸۹.

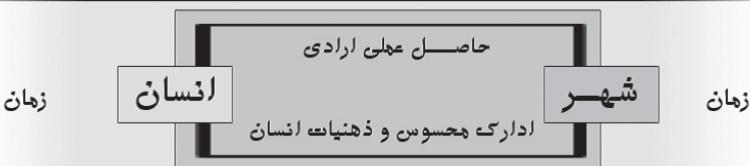
(تاپل سور، بنقل از کورز، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰) که مبتنی بر ارزشهایی است که گروهی بر آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵). فرهنگ نظامهای نمادین از گنجینه هایی شناختی از یک اجتماع است که بدست نسلهای پیشین استوار گردد و امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار دهد (نولان، ۱۳۸۰، ص ۶۳). هویت رانیز الگوهای رفتاری منحصر بفردی می دانند که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلر، ۱۳۸۰، ص ۲۲) و بر این اساس برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند، بیگانه می نماید (گیدنز، ۱۳۷۰، ص ۵۶). هویت، خاص ذات احادیت است و مراد از ذات، آن امر ثابت است و در مقابل غیریت، مطرح می شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹). «کالهنهن» در باب هویت، می گوید: «هیچ مردم بی نامی را نمی شناسیم، هیچ زبان و فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری تمایز برقرار نساخته باشد، نوعی از شناسایی خویشتن که همواره نوعی «ساختن» محسوب می شود، صرفنظر از اینکه تا چه حد همچون یک جامعه دانست

هویت، فرهنگ و معماری  
فرهنگ را می توان مجموعه ای پیچیده از دانشها، باورها، هنر و آداب و رسوم یک جامعه دانست

ماشین یکی دانست (وودوارد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

سننی و تکنولوژی مدرن، تکنولوژی های سننی به ندرت تدوین شده اند ولی تکنولوژی های مدرن همیشه مدرن بوده اند. روش ها در تکنولوژی های سننی می توانند تشریح شوند، اما فرموله نیستند به مانند اصولی که برای نیازهای متعدد و بسیاری به کار گرفته می شدند. اما تئوری های اساسی تکنولوژی های مدرن وابسته به نیازهای ایشان هستند. اما علاوه بر تفاوت های مذکور، نحوه به کارگیری و دخالت تکنولوژی های سننی و مدرن در معماری نیز دگرگون شده و تکنولوژی مدرن زمینه ساز تغییراتی در هویت و محتواه فضاهای و عناصر معماری گردیده است (گلابچی و شاهروdi، مقدمه ای بر تکنولوژی معماری، ۱۳۸۹). تکنولوژی در فرهنگ لغات، ابزاری تکنیکی برای رسیدن به اهداف عملی است. تعاریف جدیدتر از تکنولوژی به این امر اشاره می کند که نباید تکنولوژی را محدود کرد و آن را با ابزار و ماشین یکی دانست (وودوارد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

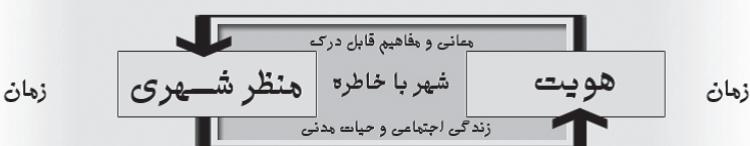
#### پدیده هنر شهری



#### پدیده عینی - ذهنی

نمودار ۴. منظر شهری و معماری نماد درجه تمدن و هویت جمعی اقوام و ملتهاست؛ مأخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۱.

#### پدیده هنر شهری

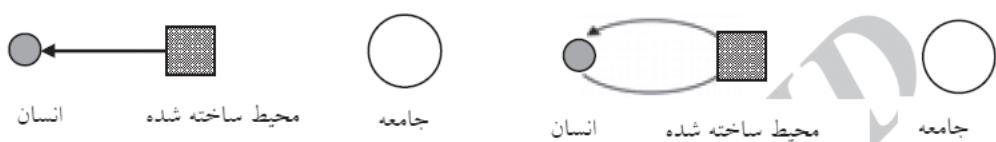


#### پدیده عینی - ذهنی

نمودار ۵. به کارگیری معانی و مفاهیم قابل درک در شهر، تداوم زندگی اجتماعی و شهر با خاطره از نشانه های حفظ هویت در منظر شهری است؛ مأخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۴.



نمودار ۶. ابراز هویت فردی یا کروهی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت فرهنگی-اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده؛ مأخذ: دامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۵.



نمودار ۷. ابراز هویت فرهنگی-اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت مطلق معماری؛ مأخذ: دامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۶.

معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می نمود، معماری اینیه کهن چیزی بیشتر از جز مشتی خشت و خاک نمی نمود.

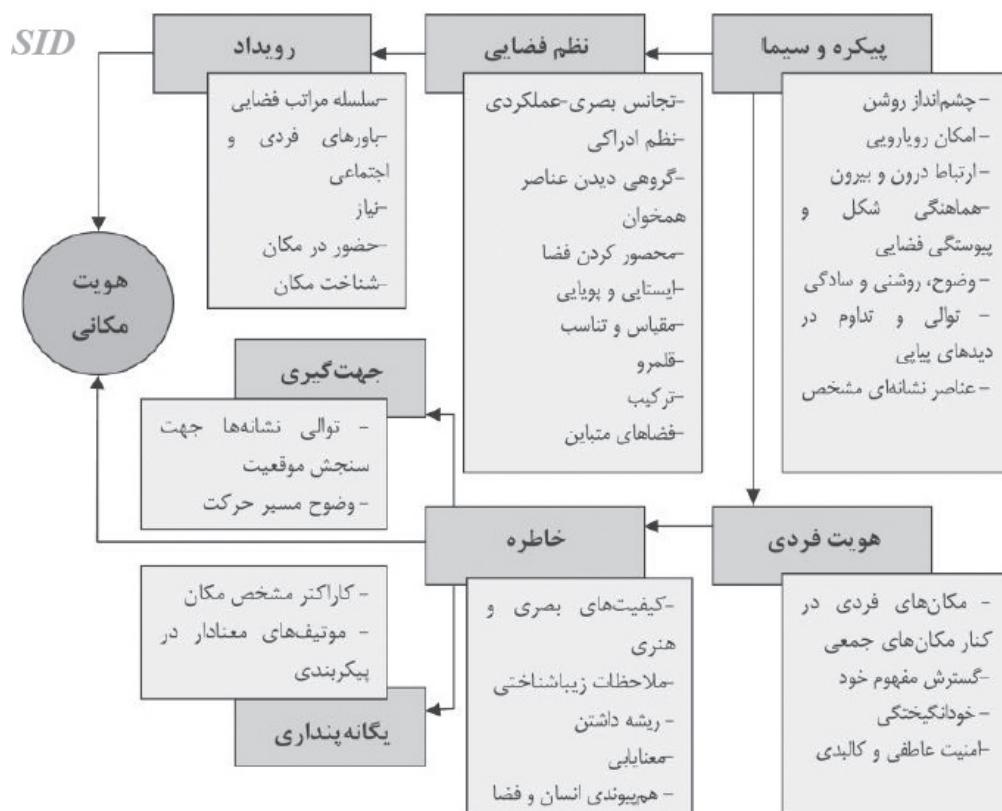
#### زمینه‌گرایی و معماری

معماری در زمینه نه یک کم توجهی و نه یک نوآوری افراطی است، بلکه یک ارتباط بصری شیوا و قوی با محیط است. یک ساختمان منفرد در ابتدا به عنوان جزئی از کل محسوب می شود. خلق فضاهای و مکانهایی که زندگی مردم را با کفیت نماید اساس کار معماران به حساب می آید. هر ساختمان می تواند و می باید در گفتگو و تعامل با تاریخی، اعتقادات و نیازهای زمان و مکان خاص باشد. به لحاظ تاریخی، طرح مباحثث مربوط به ساختارهای جدید در محیط های با ارزش و تاریخی با ظهور فن آوری و شهرسازی جدید در قرن نوزدهم میلادی هم زمان است. زیرا در این دوره تضاد آشکار میان شهرهای سنتی با مفهوم توسعه شهرها به شیوه جدید بوجود می آید. کامیلوست از اولین طرفداران حفاظت بافتها و بنایی با ارزش بیان می کند که ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد، موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط اطراف است، نه روابط کاربری بنایا و فضاهای تهی مجاورشان (قدیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳). هدف طراحی شهری ادراکی زمینه گرا، ایجاد یک منظر ذهنی

شود» (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۳).

بر این اساس خویشتن شناسی در بستر زمینه های تاریخی و فرهنگی را می توان گامی اساسی در راستای هویت سازی فرهنگی بحساب آورد، هویتی که فرآیند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی است که بر دیگر منابع معنایی الوت دارد. معماری را نیز بایستی ماتکی از تاریخ و گذشته دانست (حجه، ۱۳۷۲، ص ۶۱) که نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی یک قوم فرهنگ یا نژاد خاص است که در بستری کالبدی و فضایی خود را می نمایاند. این مهم با ذکر این نکته ادراک می شود که با حرکت در فضاهای سنتی اینیه و شهرسازی کهن ایرانی، شوری خودبانی و صیانتی نفسانی، بر انسان وجودان می شود که در قالب شادابی و سرزندگی فضایی خود را می نمایاند و بتعبیر لینچ، سیمای شهر را رقم می زند که به دیده می آید، به ذهن سپرده می شود و سبب شادی و انبساط خاطر می گردد (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۵). هویت فرهنگی معماری را همان ارزش هایی رقم می زند که تنها، در بستر اینیه سنتی مبتنی بر زمینه های تاریخی و فرهنگی که به نام «معماری زمینه گرایی» تسمیه یافته است، ادراک می شود؛ چرا که معماری به آن دلیل شکل می گیرد تا ارزشها را در خویش پروراند و صورتی کالبدی بر آنها متصور شود که اگر چنین نبود و

- قوی از شهر است. کانون توجه آن تحلیل، طراحی و مدیریت محیط‌ها با توجه به کیفیات قابل تجربه مکان است. ویژگی‌های منظر شهری ادارکی- زمینه گرا عبارتند از (گلکار، ۱۳۹۰؛ و گلکار، ۱۳۸۷):
۱. مطرح بودن آن به عنوان یک ساختار اجتماعی-فضایی است؛
  ۲. پدیداری که تنها از طریق تجربه انسانی و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود؛
  ۳. از مفهوم سه بعدی فراتر رفته و لحاظ کردن بعد معنا در پارادایم مکان و فضای؛
  ۴. مجددًا خیابان به مثابه یک عنصر معمانه و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛
  ۵. بهره گیری از آرایه‌های ساختمانی؛ و رنگ مجددا در دستور کار طراحان مطرح می‌شود؛
  ۶. حفاظت از ساختمانها و بافت‌های ارزشمند شهری براساس توجه به اصل "حس مکان" صورت چگونگی و کیفیت وقوع این موضوع و نحوه سازگاری



## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۸ بهار ۹۴  
No.38 Spring 2015

۱۸۶

نمودار ۸. مدل مفهومی برای عوامل شکل دهنده به هویت؛ مأخذ: پور جعفر و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

می توان در نماهای شهری و جانمایی جدید در سایتهاي تاریخی شاهد بود؛

۲. مقیاس بعدی زمانی است که بنانه با محیط لزوماً مجاور که با سایت اطراف ارتباط برقرار می کند؛

۳. سومین اتصال با سایت در مقیاس منطقه ای قابل حصول است. علاوه بر ابعاد فاصله ای و بصری بنامی تواند در بعد زمان (گذشته، حال و آینده) نیز با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند.

**ب) الگوهای فعالیتی:** در زمینه فعالیتها، گردش در فضای سایت بنا رفتار افراد و گروهها از جمله عواملی هستند که می توانند بنا را با زمینه اش مرتبط کنند.

**ج) الگوهای اقلیمی:** اقلیم که تاثیر خود را در مصالح، رنگها و بازشوها، فشردگی احجام، فرم آنها، سقف ها و... بروز می دهند. هنر و حساسیت معمار، میزان درک او از ویژگی های فیزیکی و «ذهنی- احساسی» سایت یا «حس مکان» که تنها با حضور و زندگی در یک مکان حاصل می شود به معمار کمک می کند تا این ارتباط را بهتر درک و ایجاد کند. این ویژگی می تواند به عنوان ماهیتی مکتوم در سایت باید توسط معمار کشف می گردد تعبیر

شود. هر حوزه، ناحیه وسیعی است که ویژگی های فضایی- شکلی آن با سازماندهی توده ها و فضاهای در الگوهای منسجم و دقیق و قابل شناسایی شکل و زمینه تعریف می شود. پنج ویژگی حوزه شامل

موارد زیر می گردد:

۱. داشتن مرکز یا مراکز؛

۲. بافت که شامل تراکم و تارو پود می شود؛

۳. مشخص ساختن انواع خاصی از الگوها مثل:

الگوهای خطی، متحدم مرکز و شعاعی؛

۴. لبه که ممکن است توده یا فضا باشد؛ و

۵. مناطق یا حوزه هایی کوچکتر که در آن گروههای

خاص از اشیا یا الگوهای قابل تشخیص اند. زمینه اجتماعی و فرهنگی «مردم به کمک فرهنگ یعنی

مجموعه ایی از ارزشها، باورها، جهان بینی و نظام

و پیوستگی میان بناهای جدید با وضعیت ساختاری موجود است (همان، ۱۳۸۵، ص ۱۲). از نظر ادموند

بیکن معماری رنسانس این موضوع بخوبی رعایت شده و موفقیت فضاهای نماهای شهری این دوره را تضمین نموده است. ارتباط بصری، ویژگیهای

مرموزی که توسط متخصصین حرفه ای قابل درک باشند نبوده، بلکه ویژگیهای ساده و ابتدایی هستند (آسیایی، ۱۳۸۹). تنشیات پنجره ها، محل قرارگیری درب ورودی، عناصر تزئینی، سبک، مصالح و خط

آسمان نمونه ویژگیهایی هستند که بوجود آورنده وحدت و یا عدم وحدت و یکپارچگی یک خیابان، محله یا منطقه می باشند. هر محل برای خود دارای ترکیبی از این عناصر و درجه آزادی برای ایجاد تنوع در طراحی می باشد. یک ساختمن برای تناسب

با زمینه و تقویت وحدت بصری منطقه، نیازی به تقليد دقیق شکل و فرم ساختمنهای مجاور ندارد، بلکه می بایستی ویژگیهای مشترک و اساسی معینی را داشته باشد. طراحی در درون زمینه لزوماً به معنی یکنواختی نیست. باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می کند و تنوعی که در آن توان دیده میشود فرق گذاشت. هردوی اغتشاش و یکنواختی ناخوشایند هستند. ارزیابی کیفیت زمینه یکی از موضوعات اساسی در زمینه گرایی است که لازمت

به آن پرداخته شود (Brolin, 1980: 148-153). «مریل گینس» (۱۹۸۰) زمینه را در معماری تحت سه موضوع کلی، «الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی» دسته بندی می کند که در زیر به معرفی هر کدام پرداخته می شود (برولین، ۱۳۸۳):

**الف) الگوهای فرمی:** فرم در اینجا البته عناصری چون فضا، شکل، مقیاس و تنشیات جزئیات مصالح بافت و رنگها را در بر می گیرد. این عناصر در دو بعد جغرافیایی و زمان می توانند برای ارتباط معماری با زمینه اش مورد استفاده قرار گیرند. بعد جغرافیایی را می توان در سه مقیاس مطرح کرد:

۱. ارتباط بنا با بناهای مجاور و در فاصله کاملاً قابل دید و درک. نمونه چنین ارتباط با زمینه اطراف را

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵  
No.38 Spring 2015

۱۸۷

جدول ۴. رویکردهای کلیت و انسجام فضاهای شهری و شهر؛ مأخذ: بیانه، ۱۳۷۹.

زمینه‌گرا	ساختارگرا	زیبایی‌گرا	سازماندهی‌گرا	کل گرا	وحدت گرا	رویکرد
همگرایی اجزاء با ارزش‌های تاریخی و فرهنگ جمعی	همگرایی فضایی میان تاریخی، اجتماعی، فرهنگی	تاثیر مثبت بصری اجراء بر یکدیگر اجزاء و کل	گرایش اجزاء به هنگام تاثیر مثبت بصری اجراء بر یکدیگر	اهمیت کل به عنوان شکل گیری منشاء شکل گیری وابستگی با نظام آفرینش	همگرایی اجزاء متکثرا برای پیوستن به کل	مبانی کلیت و انسجام
همخوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی	عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص	هماهنگی و تناسب اجزاء	همگرایی با روندهای طبیعت	تبییت از روابط حاکم بر کل	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	عامل تعیین کننده کلیت و انسجام
روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و دریافت معنی	روش مطالعه تاریخی بر مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و دریافت معنی	روش مطالعه تاریخی بر مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و دریافت معنی	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش شهودی بر مبنای دریافت روند های طبیعت	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شناسی وحدت حقیقی
ایجاد کل معنی دار	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا	ایجاد کل آرسته و هماهنگ	ایجاد کل هدفمند و ایجاد کل بکارچه سازگار با روند های طبیعت	ایجاد کل به عنوان نمادی از یافته	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت خداوند	هدف از کلیت

اجزای شکل شهر به تنها ی ارزیابی و مطالعه نمی شود، بلکه در زمینه وسیع تر محیطی قرار می گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگتر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه ها قرار دارد. بنابر این زمینه گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه معین است. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی در هم بافت نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک زنده و مطلوب ایجاد کند (Brolin, 1980: 148-153).

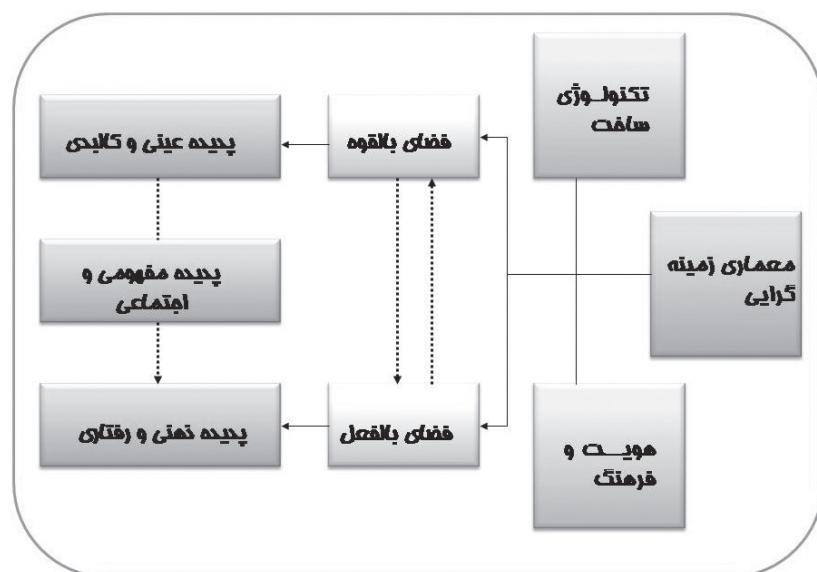
-۲ «زمینه گرایی تاریخی»: تاریخ گرایان معتقدند که گذشته برای شهرسازی کنونی درس های عینی دارد. اگر جامعه ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده فرض نموده است. انسان در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی این است که تاریخ انسان هرگز نمی تواند از ابتدا آغاز گردد. پوپر در این زمینه می گوید: اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه های پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه ان به سنت پیوند خورده است. همان طور که فرضیه برای کشف واقعیت ها در علم به کار می

های نماد مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند.» (1977; Rapoport)

زمینه گرایی یکی از دیدگاه های رایج در شهرسازی است که زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می پنداشد. زمینه گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشت، اما بتدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجود اجتماعی- فرهنگی جامعه گسترش داد. زمینه گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی های درونی خود نمی باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند (تلایی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاهای در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن های نیز به این عوامل وابسته می باشد (stokols, 1987: 15-18). در مجموع رویکردهای کلی ای که در مقوله انسجام شکل شهر ها و توجه به زمینه های مختلف وجود دارد در جدول زیر ارائه گردیده است.

انواع زمینه گرایی در معماری نیز عبارتند از:

۱- «زمینه گرایی کالبدی»: در زمینه گرایی کالبدی،



نمودار ۹. معماری زمینه گرایی و تعامل تکنولوژی و هویت؛ مأخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می کند و مبنایی برای عمل است. (Row&kotter, 1978:118)

۳- «زمینه گرایی اجتماعی - فرهنگی»: زمینه گرایان اجتماعی- فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزشها، باورها، جهان بینی و نظامهای نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند (Rapoport, 1977:6) اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. وقتی فضا محتوای فرهنگی می یابد مکان نامیده می شود (schultz, 1980:18) بحث آنها بیشتر ببروی معنی به جای قواعد شکلی استوار است، زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه ای که ظاهر می شود، درک می شود. بسته به اینکه طراحی با چه هدفی انجام گیرد، تا اینکه طراح چقدر در خلق یک اثر هماهنگ با زمینه پیرامون اثر موفق باشد، حالت‌های مختلفی بوجود خواهد آمد تا طیفی از نهایت سازگاری و تطابق گرفته تا ناساگارترین حالت را شامل خواهد شد. جدول زیر گونه‌های مختلف زمینه گرایی و نازمینه گرایی را نشان می دهد. همانطور که در مباحث قبلی اشاره گردید، تعیین سازگاری و ناسازگاری یکی از موضوعات و چالشهای اساسی در این بحث می باشد، از اینرو نمونه‌های انتخابی نیز ممکن است شامل این اختلاف نظر یا سلیقه شخصی گردد.

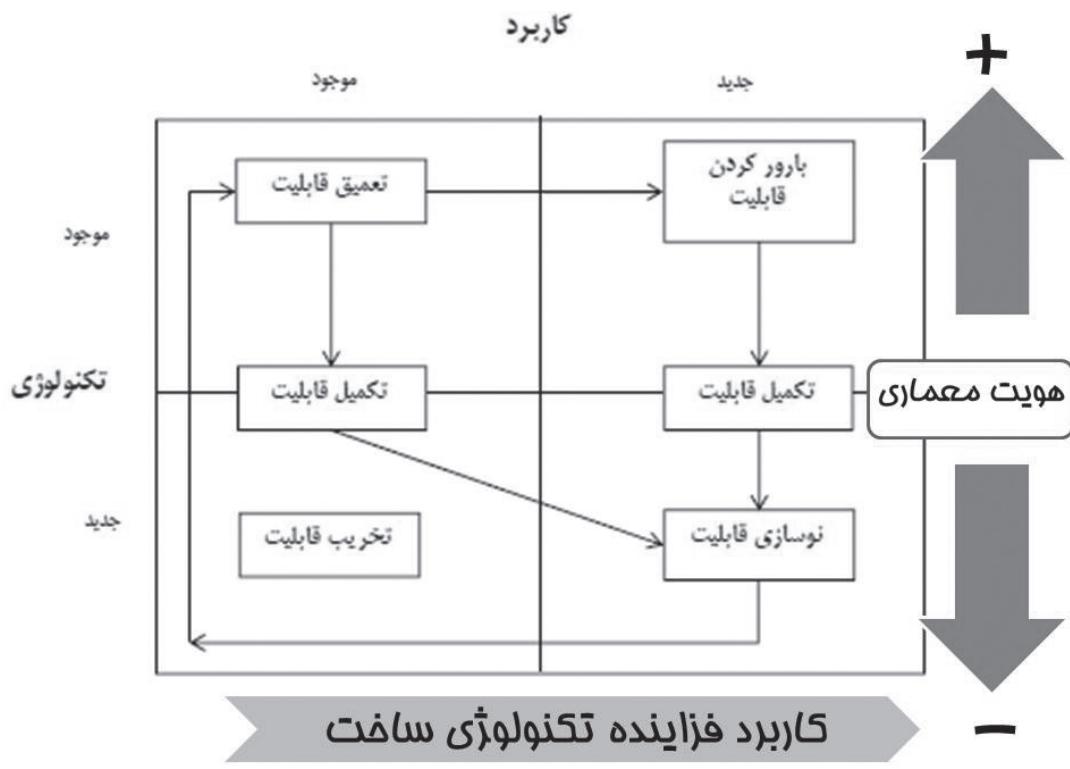
#### نتیجه گیری و جمعبندی

در پایان باید گفت که تکنولوژی مدرن در عرصه های مختلف معماری معاصر ایران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحی و ساخت و در نهایت در اثر نهایی حضور جدی دارد و آثار خود را در فضاهای اشکال معماری معاصر نمایان ساخته، اما از تاثیرات آن غفلت شده و

بدان به مثابه ابزاری خنثی و بی اثر نگریسته شده و این در حالی است که اثر تفکر تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه طراحی و تکنولوژی ساخت معماری نیز آشکار است. لذا مباحثی که پیرامون تکنولوژی و سازه مناسب در برخی از آثار، بالاخص در معماری معاصر غرب مطرح می گردد، دلیلی بر پذیرش مبانی نظری آن نیوود بلکه تاکیدی بر چگونگی هم آوایی تکنولوژی و سازه با معماری در راستای مبانی مورد نظرشان می باشد و هدف، یافتن شیوه دست یافتن به چنین مقصودی میرباشد. از سویی دیگر، معماری آن توان را دارد که بر فرهنگ جامعه تاثیر گذارد و در این بستر است که بایستی عنوان عنصری فرهنگی، خود نیز هویت سازی نماید. این خود می رساند که معماری مانند دیگر عناصر اجتماع بلکه فراتر از آنها می تواند عنوان عنصری فرهنگی در تعامل با ساختار اجتماعی، عنصری هویت پذیر و هویت ساز قلمداد شود. این امر در عصر جدید بایستی مورد توجه قرار گیرد که معماری و شهرسازی همراه با تاثیر و تاثری در ساختار هویت فرهنگی خواهد بود. در عصر جهانی شدن، عدم توجه کافی به بنیانهای فلسفی با ریشه های تاریخی ارزشها معنوی و مادی موجب شده با رویکرد علوم جدید برخور迪 منفعل داشته باشیم. تا هنگامی که مفاهیم متعالی نزد ما صرفا بازدهی بیشتر، سهولت کاربردی تر و رسیدن به اهداف اقتصادی و مانند آن داشته باشد، قطعاً به دلیل عدم شناخت عمیق از فناوری دچار مشکلاتی خواهیم بود. در دنیای معاصر که تمامی امور زندگی به نحوی با فناوری مدرن در ارتباط است، به جای نگاه سطحی به فناوری باید به مفهوم آن پرداخت و به جایگاه فناوری در دنیای کنونی و رابطه ای که با انسانها برقرار می کند اندیشید و با توجه به تغییراتی که فناوری در جامعه، جهان و ارزشها آدمی بوجود می آورد، جایگاه آن را بین انسان و جهان تعیین کرد. فناوری با سرعت و بدون توقف جریان دارد و این در حالی است که بعد از گذشت سالهای بسیار از فناوری ما هنوز ماهیت آن

### جدول ۵. گونه‌های مختلف معماری در زمینه و میزان انطباق با تکنولوژی‌های نوین؛ مأخذ: یافته‌های نهایی تحقیق.

نوع معماری در زمینه	ویرگهها و مولفه‌های شناسایی
کمال‌زمینه گرا	استفاده از تکنولوژی نوین صرفاً و صرفاً به شرط تلقیق بازیمنه‌های موجود که نشان ماهوی بستر طرح هستند، بلامانع است و هرگونه بهره‌گیری از تکنولوژی جدید مغایر با طرح ممنوع است،
عمیقاً زمینه گرا	استفاده از تکنولوژی نوین صرفاً و صرفاً به شرط تلقیق بازیمنه‌های موجود که نشان ماهوی بستر طرح هستند، بلامانع است و هرگونه بهره‌گیری از تکنولوژی جدید مغایر با طرح ممنوع است،
کمال‌نازینه گرا	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است، چراکه هبیج راهکاری نمی‌تواند وضع موجود را بهتر کند، لیکن تلاش شود تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه‌های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
نازینه گرای موفق	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است، چراکه هبیج راهکاری نمی‌تواند وضع موجود را بهتر کند، لیکن تلاش شود تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه‌های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
نازینه گرای ناخواسته	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است، چراکه هبیج راهکاری نمی‌تواند وضع موجود را بهتر کند، لیکن تلاش شود تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه‌های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
نامینه گرای مطیعانه	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است، چراکه هبیج راهکاری نمی‌تواند وضع موجود را بهتر کند، لیکن تلاش شود تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه‌های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
زمینه‌گرانی سبک شناسانه	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است، چراکه هبیج راهکاری نمی‌تواند وضع موجود را بهتر کند، لیکن تلاش شود تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه‌های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
زمینه‌گرانی سبک رایگری	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت بلامانع است، چراکه هبیج راهکاری نمی‌تواند وضع موجود را بهتر کند، لیکن تلاش شود تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه‌های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.

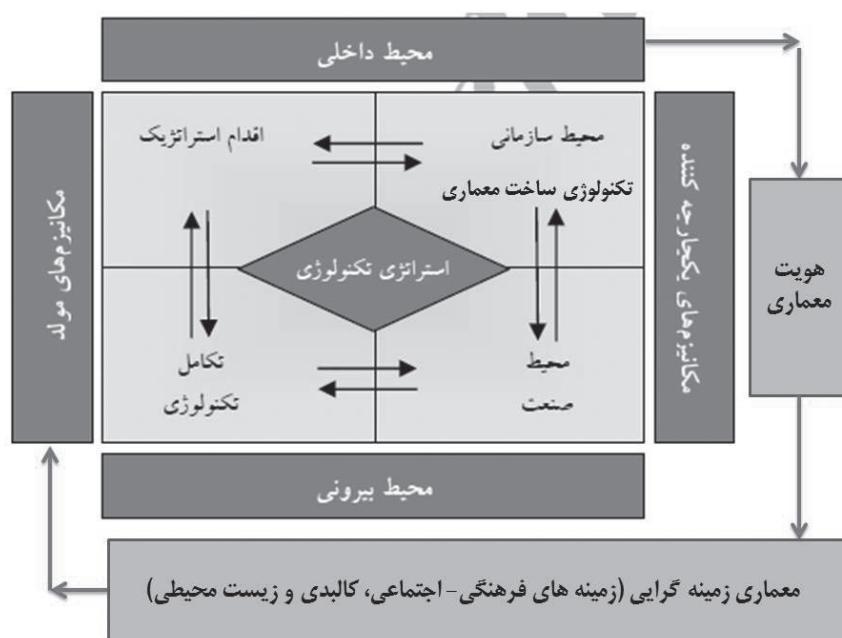


نمودار ۱۰. کاربرد فزاينده تكنولوژي در معماری بدون درنظرگيري زمينه های فرهنگی و اجتماعی (معماری زمينه گرا) باعث بی هويتی حداقل مقطعي در بناهای معماری می شود؛ مأخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقيق.

**مدريدي شهری**

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۸ بهار  
No.38 Spring 2015

■ ۱۹۲ ■



نمودار ۱۱. مدل مفهومی نحوه تعامل هويت، تكنولوژي های نوين ساخت و معماری زمينه گرایي؛ مأخذ: یافته های تحقيق.

کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت چراکه پیچیدگی تولید شهر نشان می‌دهد تکنولوژی بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست هر چند که خرد تولیدی به ساختن شهر کمک می‌کند اما به تنها‌یی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی نیست. اینکه چه چیزی لازم است، یک فهم عمومی و یک استفاده آگاهانه از تکنولوژی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکلدهی معماری و ساخت آینده شهرها و بهره‌گیری مناسب از تکنولوژی‌های نوین ساخت در بستر و زمینه طراحی و ساخت بناهای معماری خواهد بود.

#### منابع و مأخذ

۱. آسیابی محمد (۱۳۸۹) درک و بیان محیط شهری، تهران، انتشارات طحان- هله.
۲. آتشین تبار، محمد (۱۳۸۸) تداوم هویت در منظر شهری، نشریه باغ نظر، تهران، شماره ۱۲.
۳. اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول.
۴. اعتماد، شاپور (۱۳۸۳) سخنرانی در باب مفهوم هویت در تکنولوژی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، درج شده در سایت باشگاه اندیشه؛ زمان برداشت: نگارنده، ۱۳۹۳.
۵. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، تهران، انتشارات گروه.
۶. امینی، شیدا (۱۳۸۸) بخشی در نسبت تکنولوژی و هنر، روزنامه قدس، ۱۴ شهریور ۱۳۸۸.
۷. برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضا زاده، انتشارات نشر خاک.
۸. بورکهارت، ابراهیم (۱۳۶۹) هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
۹. بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

را بدرسی نمی‌دانیم.

در عین حال باید گفت که، در چالش فی مابین تکنولوژی و هویت معماری و تاکید بر بهره‌گیری از زمینه‌های موجود در فرهنگ حاکم بر طراحی و تولید معماری، دانشمندان مباحث استراتژی توسعه و تصمیم‌گیری در این مقوله را انتخاب نقطه صحیح و مطلوب از یک معمایی دانند که بنا بر عامل‌هایی چون محیط سیستم، ارزش‌های حاکم بر آن و منابع در دسترس و اولویت‌بندی‌ها می‌توان نقطه مطلوب را تعریف و روش رسیدن و مراحل رسیدن به آن را مشخص نمود. دانشمندان خط مشی گذاری عمومی، رویکردهای عمدی به این مقوله را بر اساس اینکه: رویکرد منفعانه باشد یا تهاجمی؛ جامع باشد یا بخشی، در چهار دسته متفاوت دسته بندی کرده اند. رویکردهای منفعانه و بخشی محکوم به شکست توصیف شده اند؛ چه اینکه تمامی ابعاد مسئله را در نظر نمی‌گیرند و معمولاً به علت بروز بحران در یک بخش خود را به سیستم تحمیل می‌کنند و رویکردی منفعانه را جهت مقابله با آن برای سیستم ایجاد می‌کنند. رویکردی تهاجمی و بانگاه جامع و سیستمی، تنها رویکردی است که پاسخگوی نیاز کشورمان در عصر حاضر است و جدا از اینکه چه دولتی بر سر کار است، می‌بایست برای آن برنامه ریزی شود. بر این اساس، معماری زمینه گرا تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان تراز معماری است و پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می‌دهد که این توجه میتواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت کننده باشد. زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی است که بر طبق آن ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارد. درک ویژگی های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است به طور کلی در طراحی مناسب باز مینه باید به شکل

- مقدمه ای بر معماری و تکنولوژی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. شوای، فرانسواز (۱۳۷۵) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. قانعی راد، محمد (۱۳۸۸) دوگانگی های فرهنگی تکنولوژی، نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
۲۵. قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
۲۷. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، با مقدمه مهدی حجت، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. کورز، لئیس آفرید (۱۳۷۸) نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۹. کونل، ارنست (۱۳۶۸) هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توسع.
۳۰. گلابچی، محمود و عباسعلی شاهروodi (۱۳۸۹) مقدمه ای بر تکنولوژی و هویت، روزنامه اعتماد ملی؛ به نقل از پایگاه هنری تبیان؛ زمان دریافت فایل: www.tebyan-zn.ir/Art.html؛ ۱۳۹۳/۸/۲؛ به نشانی:
۳۱. گلکار، کورش (۱۳۸۷) محیط بصری شهر، نشریه علوم محیطی، سال پنجم، شماره ۴.
۳۲. گلکار، کورش (۱۳۹۰) آفرینش مکان پایدار، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۳. گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷.
۳۴. گنو، رنه (۱۳۶۵) سیطره کمیت، ترجمه علی محمد کارдан، تهران، مرکز نشردانشگاهی.
۳۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه شهرسازی و معماری ایران.
۱۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی، مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۳.
۱۱. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱) هویت و مکان: رویکرد پدیدارشناسانه، نشریه هویت شهر، شماره ۱۰.
۱۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۸) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلام حسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۳. تولایی، نوین (۱۳۸۰) زمینه گرایی در شهرسازی؛ نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ شماره ۱۰.
۱۴. جاکوب، دیوید (۱۳۸۸) رسانه و فلسفه تکنولوژی، مترجم امین حامی خواه، درگاه اینترنتی باشگاه اندیشه.
۱۵. جعفری، عاطفه و دیگران (۱۳۹۲) نقش تکنولوژی های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
۱۶. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۹) تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۱۷. دامیار، رضا (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری؛ نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶.
۱۸. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳) معرکه جهان بینی ها، در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب.
۱۹. رهبرنیا و زهرا رهنورد (۱۳۸۵) مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی، هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۲۰. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۰) فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۱. شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۲. شاهروdi عباسعلی، گلابچی، محمود (۱۳۸۶) شاهروdi عباسعلی، گلابچی، محمود (۱۳۸۶)

# مدرس شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۸ بهار ۹۴  
No.38 Spring 2015

۱۹۵

- Lynne E.Riggs, Cambridge :Mit press.
50. Audi .R (1995), The Cambridge Dictionary of Philosophy, Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.796.
51. Borden.I.& DDunster(1995) architecture and the sites of history: interpretation of building &cities. Oxford: Butterworth architecture.
52. Bremner,L (1994)" space &the nation: three texts on aldo rossi",society &space , No.12,pp: 300-287
53. Brolin, B.C (1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.
54. Geddes, p(1968)cites in Evolution: an introduction to the Town planning Movement and to the study of cities.london: Emesst Benn Limited .
55. Hiller, B&hanson(1984) the social Logic of space Cambridge : Cambridge university Press.
56. Hutchinson,D.C,(1995), Ethics, in Barnes (ed.) The Cambridge Companion to Aristotle , Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.206.
57. Madnipoor,Ali(2007), Designing the City of Reason, London, Routledge Press.
58. Martin Heidegger, "Science and Reflection", The Question Concerning Technology and Other Essays 172.
59. Martin Heidegger, "The Question Concerning Technology," The Question Concerning Technology and Other Essays, Trans/ William Lovitt (New York: Harper & Row, 5 (1977).
60. Martin Heidegger, "What are Poets for?" Poetry, Language, Thought (New York: Harper & Row (1971 112.
61. Martin Heidegger, Discourse on Thinking, trans. M.Anderson and E.Hans Freud (New York: Harper & Row, 54 (1966.
62. Martin Heidegger, Nietzsche, Vol. 4 (New York: Harper & Row, 28 (1982.
63. Stokots ,D& I.Altman(1987) handbook of environmental psychology . New Yourk : John wiley & Sons.
64. Waterhouse , A 91978)Boundareles of the city: The Architecture of Western Urbanism. Toronto: University Press.
- منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۳۶. عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟، روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱.
۳۷. محمودنژاد، ابراهیم (۱۳۸۰) مدیریت بر آینده با تکنولوژی فردا، انتشارات انسیتو ایز ایران.
۳۸. محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۹) نقد هایدگر از تفکر تکنیکی، روزنامه جهان امروز، شماره ۱۱۸۹.
۳۹. عماریان، غلام حسین (۱۳۷۱) معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی برونگرا، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴۰. مهدوی نژاد، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) هویت معماری، تبیین هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن، و فرامدرن، نشریه هویت شهر، شماره ۷.
۴۱. ناجی، سعید (۱۳۹۲) روح تکنولوژی مدرن و جایگاه تفکر در مدارس، نشریه تفکر و کودک، سال چهارم، شماره اول.
۴۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهوردی.
۴۳. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.
۴۴. نولان، پاتریک و گرهارد لنسکی (۱۳۸۰) مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان، ترجمه ناصر موقیان، تهران، نشر نی.
۴۵. وفاهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.
۴۶. یگانه، منصور (۱۳۷۹) زمینه گرایی در معماری، نشریه راه و ساختمان، شماره ۱۳، تهران.
47. Albert Borgmann, Crossing the Postmodern Divide (Chicago: University of Chicago Press, (1992 88.
48. Aristotle(1998),The Nicomachean Ethics, Oxford: Oxford University Press, Book V1,4,1139b-31 1140a20,p.141.
49. Ashihara,Y(1983),The aesthetic Townscape. Trans.